راه نجات در روشنی سوره العصر



مفسر: داکتر اسرار احمد
مترجم:عبدالباقی هیله من غزنوی


بسم الله الرحمن الرحیم

راه نجات در روشنی سوره العصر

مفسر: شادروان داکتر اسرار احمد
مترجم: عبدالباقی هیله من غزنوی

انتشارات خاور
کابل: تابستان ۱۳۹۹

مشخصات کتاب

• **عنوان:** راه نجات در روشنی سوره العصر

• **مفسر**: شادروان داکتر اسرار احمد

• **مترجم:** عبدالباقی هیله من غزنوی

• **برگ‌آرایی**: مبین عابد

• **ناشر**: انتشارات خاور

• **شماره‌گان**: ۱۰۰۰ نسخه

• **نوبت و سال چاپ**: اول، تابستان ۱۳۹۹هـ ش

• **بها: ۲۰ افغانی**

فهرست مطالب

سوره العصر

وَالْعَصْرِ (١)

سوگند به عصر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (٢)

که بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ (٢)

إِلَّا الَّـذِينَ آمَنُـوا وَعَمِلُـوا الصَّـالِحَاتِ وَتَوَاصَـوْا بِـالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (٣)

مگر کسانی که ایمـان آورده و کارهـای شایسـته انجـام داده انـد و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند. (٣)

بنام خداوند دانا و توانا

مقدمه مترجم

سپاس خدای کریم کارساز را و درود بی پایان به روان رحمت عالمیان که به این عاصی توفیق عنایت فرمود که تفسیر سوره مبارک العصر را که مفسر و عالم جید معاصر داکتر اسرار احمد به زبان اردو نوشته بود به زبان خود برگردانم.

در ابتدا سوگند پرودگارعالم به عصر که به معنای فشرده کردن، زمانه و نماز عصر و یا عصر ظهور دین اسلام و یا زمان جاری و مسلسل آمده است دیده میشود.

در آیت دوم میبینیم که این سوگند برای کدام امر مهم بوده و آن عبارت از این است که بطور مسلم همه انسانها در خسران اند، که در آیت بعدی دیده میشود که یگانه راه نجات از خسران و تباهی فقط و فقط ایمان و عمل صالح است.

ایمان باورداشتن و یا اقرار به زبان و تصدیق قلبی و یا هم قمار عاشقانه ایست که به ایمان تقلیدی یا مصلحت اندیش و ایمان تحقیقی و معرفت اندیش و ایمان یقینی و تجربت اندیش تقسیم میگردد که هر کدام آن توضیح مفصل میخواهد.

عمل صالح یا کار های نیک و پسندیده آن کرداریست که مطابق سنت رسول مقبول علیه السلام و محض بخاطر رضای پروردگار عالم باشد.

یعنی هر عمل آدمی مبری از ریا و تزویر و صرف بخاطر رضای خالق متعال باشد.

و آیت اخیر که تواصوا بالحق یعنی امر به معروف و نهی از منکر و تعلیم و ارشاد جاهل و تنبیه غافل و تشویق و تبلیغ ایمان واقعی و عمل صالح میباشد تواصوا بالصبر که منظور به استقامت به اطاعت و وصیت به صبر در برابر مصایب و مشکلات است در برگرفته.

این سوره گرچه از نظر کمیت و شکل از کوچکترین سوره های قرآن ولی از نظر معنی و مفهوم بزرگترین سوره کلام الله مجید میباشد به جرات و صراحت میتوان گفت که اگر من و شما از تمام قرآن تنها به همین سوره عمل کنیم فلاح و رستگاری و سعادت نصیب ما میگردد در ترجمه تفسیر این سوره مبارک از اردو به زبان فارسی دری صبیه ام ناصره هیله من مرا یاری رسانیده که برایش از بارگاه ایزد منان موفقیت دین و دنیا را آرزو می نمایم و از خواننده گان تفسیر سوره مبارک العصر طلب دعا دارم.

والسلام مع الاکرام

هیله من غزنوی

(رمضان سال ۱۳۹۹)

یاد داشت

یاهو

چهار اصل سوره مبارکه العصر

۱-ایـــن ســـوره در آغـــازین دوره مکـــی بـــه حضـــرت محمـــد (صلی الله علیه وسلم) نازل گردیده.

۲- از جمله سوره های مختصر قرآن پاک است.

۳- این سـوره در درخـت قـرآن کـریمماننـد ریشـه بـوده گرچـه کمیـت آن بسـیار کوچـک ولـی معنـی و مفهـوم آن خیلـی وسـیع میباشد.

٤- از نظـر ادب سـهل ممتنـع بـوده لفـظ آن آسـان امـا عمـق معنای آن خیلی گسترده و پیچیده است.

ترجمه ساده سوره العصر:

قسـم بـه زمانـه کـه همـه انسـانها در زیـان انـد بـه جـز آنانیکـه ایمان آوردنـد و عمـل صـالح کردنـد و یکـدیگر را بـه حـق و صـبر توصیه و تاکید کردند.

باید گفـت کـه بصـورت کـل قـرآن کـریم حقـوق ذیـل را بـالای مومن دارد.

اول: از ته دل باید ایمان داشت که قرآن کلام الهی است.

دوم: قـرآن پـاک را بایـد بـا ترتیـل و ادب خـاص آن تـلاوت کرد.

سوم: در معنای قرآن کریم باید تدبر نمود.

چهـارم: اوامـر و نـواهی آنـرا بایـد در زنـده گـی فـردی و اجتماعی خود عملی کرد.

پنجم: احکام قـرآن را بـه دیگـران تبلیـغ نمـوده و در امـر آگـاهی دیگران از قرآن پاک سعی و کوشش مجدانه کرد.

مفهوم حقیقی و العصر

لفظ والعصر به معنای قسم به زمانه است.

مفهـوم اصـلی والعصـر در اینجـا صـرف زمانـه، نـه بلکـه گذشـت سـریع زمـان بـوده در عربـی کلمـه عصـر و دهـر بسـیار جامع بـوده و هـر دو در کـلام اللـه مجیـد آمـده اسـت کـه مـراد از دهر وسـعت زمـان و مکـان بـوده و در زبـان فلسـفی جدیـد زمـان مطلـق را گویـد و عصـر گذشـت سـریع زمـان را بیـان داشـته و در زبـان فلسـفی زمـان مسلسـل میباشـد در کلمـه والعصـر حـرف "واو" بمعنای قسم و قسم گواهی و شهادت است.

مفهوم وسیع خسران

معنی خسران در اینجـا صـرف انسـان در زیـان اسـت، نـه بلکـه کلمـه خسـران ضـد کلمـه فـلاح و سـعادت بکـار گرفتـه شـده و اشاره وی به زنده گـی دینـوی و اخـروی بـوده کـه ادمـی در دنیـا بـا چـه زیانهـا و مشـقات دچـار میشـود و در سـرای آخـرت چگونـه جواب ده هر عمل خود نزد خالق متعال میباشد.

چنانجـه در سـوره البلـد ایـت ٤ آمـده اسـت «لَقَـدْ خَلَقْنَـا الْإِنْسانَ فی کَبَدٍ»

ترجمه: به راستی که انسان را در رنج و محنت آفریدیم.

و یا در سوره انشـقاق ایـت ٦ "یـا أَیُّهَـا الْإِنْسـانُ إِنَّـکَ کـادِحٌ إِلـى رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ"

ترجمــه: ای انســان حقــا کــه تــو در راه پروردگــارت ســخت کوشیده یی تا وقـت مـرگ پـس عملـت را ملاقـات خـواهی کـرد از خوب و بد در روز قیامت. "تفسیرجلالین"

ترجمــه: ای آدمــی هــر آیینــه تــو کارکننــده یــی تــا ملاقــات پروردگــار خــود بــه کوشــش تمــام پــس ملاقــات خــواهی کــرد بــا پرودگار خود. "تفسیر سعودی"

یعنــی نــزد خــالق خــود از خــوب و بــد حســاب خــواهی داد و مفهــوم لفــی خســر همــین اســت کــه خســران ابــدی در ســرای آخرت است.

ارتباط دو آیت اولی سوره العصر

آیــت اولــی قســم و دومــی کــه جــواب آن قســم میباشــد. ارتبــاط بین دو آیت متذکره چیست؟

اگر دقیق شــویم عصــر یــا زمــان جــاری و مسلســل ماننــد چــادر و یا خیمه یست که از ازل تا ابد را پوشانیده است.

گویــا کــه کلمــه عصــر همــه حیــات دنیــوی و اخــروی مــا را در نظــر گرفتــه و گــواه رنــج و مشــقت آدمــی در هــر دو ســرا میباشــد و شاهد عروج و نزول اقوام مختلف جوامع انسانی نیز میباشد.

بــدین منــوال "إِنَّ الْإِنْسَــانَ لَفِــي خُسْــرٍ" بزرگتــرین شــاهد زمــان بــوده و ایــن حقیقــت را میرســاند کــه آیــت متــذکره هشــدار و تنبیــه انسان غافل میباشد.

اینکـه انسـانها چگونـه مشـغول دنیـا گردیـده و از سـرای آخـرت غافل میباشند و همیشه سرگردان است.

این آیت به مـا مـی فهمانـد کـه سـرمایه عمـر را بـه هـدر ندهیـد و از آن در اعمـار شخصـیت دنیـوی و دینـی خـود کـار بگیـریم و گرنه دچار تباهی و خسران ابدی میگردیم.

اشک یک لحظه به مژگان بار است
فرصت عمر همین مقدار است

مفهوم اصلی ایمان

ایمـان بمعنـای بـاور داشـتن و یـا اقـرار بـه زبـان و تصـدیق بـه قلب است.

و دانشمندان معاصر عـالم اسـلام آنـرا بـه سـه گونـه معرفـی مـی کنند.

۱-ایمان تقلیدی و مصلحت اندیش.

۲- ایمان تحقیقی و معرفت اندیش.

۳- ایمان یقینی و تجربت اندیش.

که هر کـدام توضـیح مفصـل میخواهـد کـه درایـن رسـاله جـای شرح آن نیست.

یگانـه راه نجـات از خسـران و تبـاهی ابـدی کـه در آیـت لفـی خسر تشرح شد ایمان است.

کلمه ایمان کـه ریشـه آن امـن میباشـد بـه انسـان امنیـت خـاطر و سکون و آرامش روحی و قلبی می بخشد.

معنـای اصـطلاحی آن یقـین، بـاور و اعتمـاد بـوده و درک وصـل و حقیقـت ایمـان در فطـرت بشـر موجـود بـوده وقتیکـه آدمـی بـه دنیا می آیـد ایـن پرسـش نـزدش مطـرح میگـردد کـه از کجـا آمـده کجا میـرود ایـن کاینـات چگونـه بوجـود آمـده و خـالق ایـن همـه مخلوقات کیست بـا ایـن نظـم و پهنـا و وسـعت ، ابتـدا و انتهـایش کجا است و سر منزل اخیر سفر ما کجا است.

در طـول تـاریخ ابنـای بشـر اعـم از عـوام و نخبـه گـان بـه ایـن پرسش ها پاسخ گفته و در جستجوی حقیقت بوده اند.

به حق تسلیم شو تا وارهی ازاین و آن بیدل
به دریا قطره چون گم گشت دریا داند و کارش

و یا گفته حضرت سعدی :

برگ و درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتریست از معرفت کردگار

باید گفت کـه نـه علـوم طبیعـی و نـه هـم حـواس ظـاهری مـا را به جـواب قطعـی همـه ایـن سـوالات میرسـاند بخاطریکـه حـواس ظـاهر نـه در حیـات قبـل از بوجـود آمـدن مـا و نـه هـم در حیـات بعد از زنده گی دینوی مـا داخـل شـده نمـی توانـد امـا در درازنـای

زمانه ها انسانهای بوده که از جانب خالق متعال بحیث حلقه وصل بین عالم امر و عالم خلق برگزیده شده و توسطه وحی خفی و جلی و الهامات به این پرسش ها جواب داده و مردم را از تاریکی به روشنایی رهنمایی کرده اند که این علم خاص را علم وحی و یا هم علم لدن گویند.

و همین کتب آسمانی و وحی به ما بیان کرده که این کاینات نه همیشه و دایمی بوده و نه خواهد بود و همه این کاینات و مخلوقات را خالق یگانه و بی همتا آفریده که ذات مقدس او به همه صفات کمالیه متصف بوده و یکتای بی همتا میباشد. همان ذات متعال ما را آفریده و پس از مرگ دوباره زنده میسازد که همان زنده گی ابدی بوده و در آنجا معامله با ما بر مبنای ایمان و عمل ما صورت میگیرد.

پروردگار عالمیان ما را هدایت کرده تا از دنیا چگونه استفاده کنیم و زندگی خود را چگونه و مطابق کدام اوامر و نواهی بگذرانیم تا سبب فلاح و رستگاری ما گردد و از خسران و تباهی نجات یابیم حال فهمیدیم که فرستاده گان خداوند متعال به ما می آموزانند که چگونه به خالق متعال، کتب و فرشته ها زندگی بعد از مرگ ایمان بیاوریم و چطورعمل صالح انجام دهیم تا نجات و فلاح دارین سعادت واقعی را نصیب گردیم

که اقرار بـه زبـان و تصـدیق بـه قلبـی همـین پیـام انبیـا را ایمـان میگوییم.

اکنون واضـح گردیـد کـه علـم حقیقـی همـان ایمـان اسـت کـه مفـاد آن اول از بـین رفـتن اضـطراب و تشـویش آدمـی بـوده و دوم یافتن آرامش روحی و سکون و اطمینان قلبی میباشد.

سـقراط گفتـه: علـم نیکـی و جهالـت بـدی اسـت و راسـتی هـم آگـاهی بزرگتـرین فضـیلت و نـادانی بـدترین رذیلـت اسـت. علـم حقیقی و آگـاهی بنیـادی همـین ایمـان اسـت کـه علـم حقیقـی در باره خدا، انسان و جهان است،

همـین علـم حقیقـی و (ایمـان) مـا را دارای فضـیلت کـرده و صـاحب اخـلاق حمیـده و کرامـت میگردانـد و صـفات ذمیمـه و شـیطانی و حیـوانی را از مـا دور مـی کنـد و مـا را دارای عمـل صالح می گرداند.

پـس معلـوم شـد کـه ایمـان عمـل صـالح لازم و ملـزوم همدیگراند.

طـرز دیـد انسـانها در مـورد مخلوقـات و جهـان در طـول زمانـه هـا نـزد بعضـی هـا چنـین بـوده کـه پنداشـته انـد همـه کاینـات و مخلوقات تصـادفی بوجـود آمـده و خـود بخـود نظـم گرفتـه و نـزد بعضـی دیگـر چنـین اسـت کـه همـه مخلوقـات و کاینـات را ذات مدبر و یگانـه و خـلاق علـم و حکـم آفریـده و نظـم و اداره آنـرا بـه دست بلاکیف خود داشته (فَعَّالٌ لِما یُرِیدُ) میباشد.

که بین این دو طـرز دیـد و عقیـده از شـرق تـا مغـرب و از زمـین تا آسمان فرق وجود دارد.

یکـی منکـر خـالق یگانـه و حشـر و نشـر و حسـاب و کتـاب و زنـدگی بعـد از مـرگ و دیگـرش بـرعکس معتقـد اسـت کـه اصـل زنـدگی آدمـی بعـد از مـرگ آغـاز میگـردد (مردمـان خوابنـد وقتـی مُردنـد، بیـدار میشـوند) حـدیث نبـوی و زنـدگی دنیـوی دیباچـه و تصـدی آخـرت و زنـدگی ابـدی بـوده و مزرعـه و کشـتگاه اخـرت است.

یکی گوید: بابر به عیش کوش که عالم دوباره نیست.

و دیگر گوید: زندگی بی بندگی شرمندگی است.

در وجود انسان بـا ایمـان انقلابـی رخ میدهـد کـه سـبب تکامـل شخصـیت او میگـردد و او خـود را مسـوول و ذمـه وار میدانـد و منحیث یک موجود رسـالتمند و بـا کرامـت بـه زنـدگی خـود ادامـه میدهد.

ایمـان دو صـورت دارد اقـرار بـه زبـان و بـدون عمـل صـرف ایمـان قـولی بـوده وقتیکـه بـه قلـب تصـدیق گردیـد، سـبب عمـل صالح گردیده و انسـان بـه درجـه یقـین میرسـد و یقـین و اخـلاص انسـان متوکـل و مطمـئن سـاخته و سـعادت ابـدی را بـرایش بـه ارمغان می آورد و اینجاسـت کـه قـول و عمـل یکـی شـده و تضـاد گفتار و کردار از بین میرود.

هرگـاه ایمـان آدمـی بـه درجـه یقـین رسـید او دیگـر بـه عمـل خلاف و زشـت و گنـاه دسـت نمیبـرد زیـرا اللـه را در همـه احـوال حاضر و نـاظر خـود میبینـد و میداننـد کـه فـردای محشـر حسـاب و کتاب حشـر و نشـر و جـزا و سزاسـت و در آنجـا هـیچ سفارشـی هـم کـارگر نبـوده و آدمـی جوابـده هـر عمـل خـود گفتـار و کـردار خود میباشد.

کسیکه که ایمـانش بـه درجـه یقـین رسـد چطـور ممکـن اسـت که عمر خـود را بـه مصـیت و زشـتی بگذرانـد رسـول مقبـول علیـه سـلام فرمـوده: :لا يَزْنـي الزّانـي حـينَ يَزْنـي و هُـو مـؤمنٌ ، و لا يَسْـرِقُ السّـارقُ حـينَ يَسْـرِقُ و هُـو مـؤمنٌ ، و لا يَشْـرَبُ الخَمْـرَ حينَ يَشْرَبُها و هُو مؤمنٌ ،" (متفق علیه)

ترجمه: پیـامبر خـدا مـی فرمایـد :زناکـار، در حـالی کـه مـؤمن اسـت زنـا نمـی کنـد، دزد، در حـالی کـه مـؤمن اسـت مرتکـب دزدی نمـی شـود و شـراب خـوار، در حالـت داشـتن ایمـان، شراب نمی نوشد.

بلکه همه این گناهـان و گناهـان دیگـر وقتـی صـادر میگـردد کـه از دل انسان ایمان زایل گردد.

در نتیجـه مخلوقـات گفـت کـه گویـا ایمـان و عمـل صـالح دسـت بـه دسـت هـم داده بحیـث لازم ملـزوم سـبب نجـات و رسـتگاری و فـلاح داریـن آدمـی میگـردد بـه همـین دلیـل سـوره

العصـر بعـد از ایمـان عمـل صـالح را شـرط ضـروری راه نجـات انسان دانسته است.

مفهوم اصلی عمل صالح

عمـل صـالح بـه کـردار نیـک و کـار هـای پسـندیده کـه مطـابق سنت محمدی و رضای الهی باشد گفته میشود.

عمـل صـالح یگانـه وسـیله نجـات و فـلاح آدمـی و رسـیدن بـه مقـام کمـال او میباشـد بایـد یـاد آورشـد کـه سـوره (والتـین) و سـوره (العصـر) ازچنـد وجـه مشـابهت دارنـد چنانچـه آیـت مبارک:

وقولـه: (لَقَـدْ خَلَقْنَـا الإنْسَـانَ فِـي أَحْسَـنِ تَقْـوِيمٍ) ٤ (ثُـمَّ رَدَدْنَـاهُ أَسْـفَلَ سَـافِلِينَ) ٥ (إِلَّا الَّـذِينَ آمَنُـوا وَعَمِلُـوا الصَّـالِحَاتِ) ٦

ترجمـه: هـر آیینـه آفریـدیم آدمـی را در نیکـوترین صـورت پـس گردانیـدیم آنـرا فروتـر از همـه فرومانـدگان مگـر آنانیکـه عمـل صالح کردند و ایمان آوردند.

انسان بـا اینکـه از آب و گِـل آفریـده شـده امـا مقـام آن بـالاتر از فرشته هـا میباشـد بـه شـرط آنکـه خـود را شـناخته و ایمـان یقینـی داشته و کارهای شایسته یا عمل صالح داشته باشد.

یگانـه راه نجـات ابـدی آدمـی ایمـان و عمـل صـالح اسـت کـه همزمان باید موجود باشد.

باید یاد آور شد که هر عمل انسان باید دور از ریا و تزویر صرف بخاطر رضای خالق متعال باشد در آن صورت رستگاری و فلاح دارین نصیب او میگردد.

معنای تواصی

در آخر سوره العصر دو بار کلمه تواصوا آمده که از ریشته تواصی بوده و از وصیت گرفته شده و معنای آن نصحیت توام با تاکید و اسرار در باره یک موضوع یا یک امر میباشد.

این کلمه از باب تفاعل بوده و خاصیت اشتراک با همی و شدت و مبالغه را دارا است.

یعنی تواصوا در آخیر سوره مبارک وصیت و تاکید با قوت مبنی بر تلقین به حق و صبر در اجتماع میباشد.

معنای حق

حق نام الله بوده و دارای معنای وسیع و گسترده است و بر آنچه واقعی باشد اطلاق میگردد بدین معنا که خیالی و وهمی نباشد.

یا اینکه مسلماً به عقل نزدیک و اخلاقاً واجب باشد و یا حامل مقصد هدف و غرض و غایت باشد، یعنی بیکاره و عبث نباشد حال فهمیده شد که تواصی به حق یعنی دعوت و

تلقین به هر آنچه واقعی و حقیقی باشد یا بر مبنای عقلانیت ثابت و اخلاقاً واجب باشد.

بنابر آن باید در تنفیذ حق و تواصوا بالحق بصورت عملی و جدی کوشا باشیم که همه اوامر او تعالی شامل آن میگردد.

تواصوا بالحق امر به معروف و نهی از منکر را تاکید و ترکیز می نماید پس باید به هر نیکی خورد و بزرگ همه را دعوت کنیم و از هر بدی خورد و بزرگ همه را منع کنیم این امر باید به شفقت و نرمی انجام گردد یعنی تواصوا باالرحمه باشد. و همدیگر را به جانب پروردگار خود با محبت و شفقت بخوانیم و خود هم با پایمردی رهسپار آن گردیم و با مال و جان در راه حق تعالی مجدانه سعی و تلاش کنیم تا سرخروی دین و دنیا گردیم.

مفهوم صبر

صبر هم دارای مفهوم وسیع بوده و آن معنی را افاده می کند که انسان در مقابل شداید و مشکلات و سختی ها و مشقات با پایمردی و استواری مقابله کرده و در طاعت و عبادت استقامت داشته باشد.

تواصـــی بـــالحق و تواصـــی بالصـــبر لازم و ملـــزوم یکدیگراند

همانطوریکــه در صــفحات قبلــی تــذکر داده شــد کــه ایمــان و عمل صالح لازم و ملزوم یکدیگر اند.

تواصــی بــالحق و تواصــی بالصــبر نیــز لازم و ملــزوم همــدیگر اند.

بــه دلیــل اینکــه زمانیکــه در دعــوت و تبلیــغ حــق موانــع و مشــکلات ســر راه آدم صــالح ایجــاد میگــردد بایــد در برابــر آنهــا صبر داشته و با حوصــله منــدی بــه مبــارزه خــود ادامــه دهــد گــاهی یــک نصــحیت خــورد و کوچــک هــم ســبب عکــس العمــل شــدید طرف مقابــل میگــردد در دعــوت عــام و امــر بــه معــروف و نهــی از منکــر مشــکلات و موانــع زیــادی را مواجــه میگــردیم کــه صــبر و اســتقامت و ثابــت قــدمی مــی توانــد مــا را بــه منــزل مقصــود برساند، به شرط آنکــه اول خــود مــا ایمــان یقینــی و کامــل بــه حــق داشـــته باشـــیم و بعـــد از آن دیگـــران را بـــا نرمـــی و شـــفقت و اســـتدلال دعـــوت نمـــایم و در ایـــن راه بـــه اصـــطلاح قرآنـــی آن اســتقامت داشــته باشــیم کــه همــین صــبر و اســتقامت و ادامــه دعوت و تبلیغ خود محک سیرت آدمی میباشد.

ربط ایمان و عمل صالح و تواصی

تاکنون ما راه نجات آدمی را در سوره العصر یا سوره نجات به چهار اصل به شکل دو، دو اصل بیان نمودیم:

که یکی ایمان و عمل صالح بطور لازم ملزوم و دیگرش تواصی بالحق و تواصی بالصبر که آنها هم لازم و ملزوم همدیگر اند.

حال ارتباط بین این دو جوره و تعلق شانرا با همدیگر به بررسی میگریم.

این یک اصل قبول شده است که فطرتاً انسان از محیط خود تاثیر پذیر بوده و بر محیط خود تاثیر گذار میباشد.

مثلاً: برف ماحولش را سرد و آتش ماحول خود را گرم کرده و خودش هم به مصرف میرسد.

در مسایل معنوی و اخلاقی هم به همین منوال در جامعه نیز اگر یک فرد صالح باشد بالای افراد دیگری ماحول و محیط اش تاثیر مثبت داشته و اگر ناصالح و بد کردار باشد تاثیر منفی میگذارد.

اگر محیط و ماحول خراب باشد فرد صالح کوشش به تغییر آن کند در صورت عدم موفقیت حداقل باید از خود دفاع کند تا خود را از تاثیر بد آن محافظت کند.

نتیجه فطری تواصی بالحق همین است حضور صلی الله علیه و سلم می فرماید:

عن أبـي سـعيدٍ الخـدري رضـي اللـه عنـه قـال: سـمعت رسـول الله صلى الله عليـه وسـلم يقـول: (مـن رأى مـنكم منكـرًا، فليغيـره بيـده، فـإن لـم يسـتطع فبلسـانه، فـإن لـم يسـتطع فبقلبـه، وذلـك أضعف الإيمان.) (رواه مسلم من ابى سعيد خدرى)

ترجمه: هـر كـس از شـما ناشايسـته اى ببينـد (بايـد) بـه دسـت خـويش مـانع آن شـود و اگرنتوانـد بـه زبـان و اگـر نتوانـد بـه دل مانع شود (آنرا بد پندارد) كه حداقل ايمان همين است.

"يعنـى اگـر كسـى را بـه عمـل بـد ديـدى او را بـا زور بـازو منـع كن و بـه نيكـى دعـوت كـن اگـر قـوت آنـرا نداشـتى بـه زبـان منـع كن اگر تـوان زبـانى هـم نداشـتى او را بـه دل بـد ببـين كـه آخـرين آن ضعيف ترين درجه ايمان است."

مراتـب امـر بـه معـروف و نهـى از منكـر در يـك تقسـيم بنـدى، به سه مرحله تقسيم مى شود

۱-مرحله قلبى (رفتارى)

۲- مرحله زبان

۳- مرحله عملى

تواصـى بـالحق يكـى از تقاضـاى هـاى شـرافت آدمـى اسـت زيرا هر گـاه مـا خـود عمـل صـالح را انجـام مـى دهـيم از آن نفـع مى بـريم بايـد آنـرا بـه دوسـتان خـود نيـز برسـانيم كـه آنهـا نيـز از بركات آن فيض ياب گردند.

چنانچه نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرموده: قَالَ سَيِّدُنَا مُحمَّدصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ "رواه مسلم "

ترجمه: مومن نیست کسیکه چیزی برای خود بخواهد برای برادر مسلمان خود نخواهد.

شرح حدیث: این حدیث را صحابی جلیل القدر انس بن مالک، خادم رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده است. طبق مفاد این کلام، نظر رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) این است: مومن در زندگی تنها نیست و ایمان او با دیگر برادران مومنش کامل می شود. بلی، ما در زندگی روزانه خود هرچه داریم تنها متعلق به خودمان نیست، بلکه مربوط به همه ماست و معنی «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ» یعنی ایمان هیچ یک از شما کامل نیست مگر هرآنچه را از دین، اخلاق، توفیق، نعمت، عزَّت، صحَّت، درآمد و ثروت برای خود دوست دارید برای برادر مسلمان تان نیز دوست داشته باشید و هر آنچه را برای خود دوست ندارید برای دیگر برادران تان نیز دوست نداشته باشید.

این یک امر عادی و جاری است که آدمی با یک طرز دید و جامعه و ماحول با طرز دید دیگری باشد که درینصورت دو نظر ممکن است.

اول اینکه " زمانه با تو نه سازد تو با زمانه بساز"

دوم اینکه " زمانه با تو نه سازد تو با زمانه ستیز"

که تا حد توان انسان شرافتمند و صالح باید اگر زمانه را خراب ببیند با آن مبارزه کند و زمانه را مثل خود سازد و اگر محیط خوب صالح باشد خود مانند محیط گردد که در هر دو صورت تصادم واقع نگردیده و به مطلوب میرسیم.

از هر زاویه که بنگریم این دو جوره یعنی ایمان و عمل صالح و تواصی بالصبر و تواصی بالحق لازم و ملزوم همدیگر می باشد.

و از لوازم ناگزیر نجات و فلاح انسان است و اگر به دقت و تامل دیده شود دارای وحدت نا قابل تقسیم و جز لاینفک یکدیگر اند و به گفته "علامه اقبال هر دو در یک نقطه تفسیر ایمان کامل است."

اگر ما ایمان کامل و یقینی داشته باشیم عمل صالح خود بخود و ضروری بوجود میآید و اگر عمل صالح پخته گردد و در صورت ادامه تواصوا بالحق ، تواصوا بالصبر پدید می آید.

و اگر تواصوا بالصبر پدیدار نشد معلوم میگردد که تواصوا بالحق کامل نبوده و اگر دعوت درست نبوده باشد عمل انسان کامل صالح نبوده و در آنصورت می توان ادعا کرد که ایمان یقینی و کامل نبوده است.

در نتیجه می توان گفت که سوره العصر رهنمای راستین راه نجات انسانها بوده و هر که به این سوره مبارک عمل نماید کامیابی دینوی و آخروی نصیب او میگردد.

چهار سنگ بنا این سوره چهار رکن نجات و رستگاری همه گانی است که عبارت اند از :

اول - ایمان

دوم - عمل صالح

سوم - تواصوا بالحق

چهارم - تواصوا بالصبر

دیدیم که سوره مبارک العصر که از نظر کمیت و شکل از جمله خوردترین سوره قرآنکریم بوده اما از نظر معنا و مفهوم و درونمایه سوره کامل و جامع بوده و تنها عمل به همین سوره عظیم انسان را به سر منزل مقصود میرساند.

اسوه محمدی

این چهار اصل سوره مبارک العصر در حیات پرافتخار حضور صلی الله علیه وسلم به بلندترین درجات خود به کمال رسیده بود.

آنجناب صلی الله علیه وسلم برحقیقت خود و کاینات پوره آگاهی داشته و وقتیکه به فحوای

"وَوَجَدَکَ ضَالًّا فَهَدَى" سوره الضحی آیت ۷

ترجمه: و تو را سر کشته یافت ، پس هدایت کرد.

«ضَـآلاً»: گمـراه و سرگشـته پیغمبـر قبـل از نبـوّت، دریـای مـوّاج کفـر و شـرک و ظلـم و فسـق و جهـل و خرافـات محـیط را می دید و غرق شـدگان در آن را نظـاره مـی کـرد، امّـا راه بـه جـائی نمـی بـرد. نمـی دانسـت چگونـه خـالق جهـان را بپرسـتد و بـدو نزدیک بشود، و از بارگـاه یـزدان نجـات مردمـان را بطلبـد. بـه غـار حـراء پنـاه می‌بـرد و شـبها و شـبها بـا خـود خلـوت مـی کـرد و سرگشـته در تفکّـرات و حیـرت زده از مشـاهده اوضـاع بـه دنبـال نجات می گشت، تـا در دل غـار حـراء نـور وحـی پرتـو افگنـد و او را به حق رهنمود کرد. " تفسیر نور"

"ووجـدک ضـالا فهـدی " جبرئیـل امـین بـرایش حقـایق را بیـان کـرد بـا ایمـان کامـل آنـرا تصـدیق کـرد چنانچـه قـرآن پـاک گـواه آنست (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَـا أُنْـزِلَ إِلَيْـهِ مِـنْ رَبِّـهِ وَالْمُؤْمِنُـونَ ۚ) (سـوره بقره آیت ۲۸۵)

ترجمـه: پیـامبر، بـه آنچـه از سـوی پروردگـارش بـر او نـازل شـده، ایمـان آورده اسـت. یعنـی بـاور پیغمبـر صـلی اللـه علیـه وسـلم آنچـه فـرود آورده شـده بـه سـوی او از پروردگـارش او و همه مومنان ایمان آوردند.

از جانـب دیگـر حضـرت خـاتم الانبیـا نمونـه انسـان کامـل و شـهکار اخـلاق حسـنه محسـوب میگـردد (وَإِنَّـكَ لَعَلَـى خُلُـقٍ

عَظِـيمٍ)" سـوره القلـم آيـت ٤" ترجمـه : و تـو اخـلاق عظـيم و برجسته داری.

حضـور صـلی اللـه عليـه وسـلم بعـد از ايمـان كامـل و عمـل صـالح سـی سـال مكمـل در راه دعـوت حـق و اعـلام حقانيـت ديـن الهـی و انفـاذ قـانون آسـمانی جـد وجهـد نمـوده و دريـن پيكار مقـدس هـر نـوع مشـقت و تكليـف را بـا بـرده بـاری و صبر تحمـل نمـوده و در برابـر هـر مشـكل و سـختی مدبرانـه و شجاعانه و صابرانه مقابله نمود.

چنانچـه از سـنگ اوبـاش هـای طـايف و تـوهين آزار و اذيـت معاندين گرفته تا غـزوه بـدر و اُحـد و شـهادت دنـدان مبـارک همـه را بـا سـعه صـدر و حكـم و بردبـاری تحمـل نمـوده و بـرای همـه دعـای هـدايت و خيـر نيكـی نمـوده و مـردم را بـا نرمـی و شـفقت بـه راه حـق و راه حقيقـت دعـوت نمـود و بـا تطبيـق اصـول قرآنـی توانست با دسـت خـالی و يـاران محـدود ديـن خـود را تـا اقصـای عالم برسـاند و امـروز بعـد از هـزار و چنـد صـد سـال از پـنج قـاره همه روزه پنج بار گلبانـگ محمـدی بـه گـوش ميرسـد گويـا سـوره العصـر تفسـير مجسـم حيـات طيبـه حضـرت محمـد مصـطفی صلی الله عليه وسلم ميباشد.

درود بـی پايـان بـه روان رحمـت عالميـان و آل بيـت مطهـر و ياران او باد.

تعلق سوره العصر با سوره ما قبل و سوره ما بعد آن

سوره ما قبل و ما بعد العصر نیز ارتباط آنرا با مفهوم وسیع آن نشان میدهد و در سوره ما قبل یعنی سوره (التکاثر) افتخار به مال و اولاد و پناه به غیر ذات حق را مذموم دانسته و در سوره (الهمزة) باز هم پناه به مال و دنیا و ماسوی الله را سبب تباهی و دوزخ و پناه بردن و تکیه و توکل به الله را سبب فلاح و رستگاری میداند.

ضمایم سوره العصر

عادت پسندیده صحابه کرام

فعَنْ أَبِي مَدِينَةَ الدَّارِمِيِّ قَالَ : (كَانَ الرَّجُلانِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا الْتَقَيَا لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَقْرَأَ أَحَدُهُمَا عَلَى الآخَرِ : " وَالْعَصْرِ إِنَّ الإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ " ، ثُمَّ يُسَلِّمَ أَحَدُهُمَا عَلَى تالآخَرِ) " اخرجه والطبراني فی الاوسط و البیهقی فی الشعب"

ترجمه: ابو مدینه دارمی روایت میکنند که اصحاب نبی اکرم صلی الله علیه و سلم وقتیکه با هم ملاقات میکردند تا زمانی از همدیگر جدا نمی شدند که سوره العصر را به همدیگر نمی شنواندند بعد از شنیدن این سوره مبارک از همدیگر جدا شده و وداع میکردند.

دو قول امام شافعی در مورد سوره العصر

۱- (لو تدبر الناس سورة العصر لوسعتهم) تفسیر ابن کثیر

اگر سوره العصر را به دقت تلاوت و به معنای آن تدبر لازم کنیم هدایت کامل را درآن در می یابیم.

۲- اگر در قرآن کریم تنها همین سوره العصر نازل میشد برای هدایت انسانها کافی بود. (تفسیر پاره عمه)

قول امام رازی در باره سوره العصر

هَـذِهِ الاَیَـة فیما وًعِید شٌدِید وَ ذلِکَ لأنٌه تَعَالَی حَکَمَ بالخِسار عَلی جَمِیع الَناسِ اِلا مَنَ کَانَ اِتیَا بِهذِهِ الاشیَاءِ اَلاَربعَة : وَهِي الایمانُ والَعَملُ الَصالِحُ وَ التَواصِي بالِحقُ و التَواصِي باالصَبِر فَدَلَ ذلک علی ان النَجاة مُحَلَقةٌ بِمَجمُوعِ هـذِهِ الامورِ و انَه کَمَا یَلَزمُ المکلف تَحصِیلُ ما یخُصُ نَفسَه فَکذلِکَ یَلَزمُه فِی غَیرِهِ امِورُ مِنها الدَعَاءَ اِلَی الِدِین و النَصِیحًه و الاَمرُ بالمًعرُوفِ و النهی عن المُنکَرِ.

درین سوره مبارکه وعید بسیار سخت آمده که فیصله تباهی انسان را دربر دارد در صورتیکه این چهار اصل را مکمل عملی نکنند.

یعنی اول : ایمان

دوم: عمل صالح

سوم: تواصی بالحق

چهارم: تواصی بالصبر

پس معلوم است که یگانه وسیله نجات آدمی در همین چهار اصل سوره العصر نهفته است.

پس هر مومن مکلف است که ایمان کامل و یقینی داشته و با اجرای عمل صالح دیگران را به حق و صبر توصیه کند.

بارالها!

ما را توفیق عنایت فرما

تا با ایمان و ایقان کامل زنده گی را طوری سپری کنیم که تو راضی و خوشنود و ما رستگار گردیم.

(فصلی الله تعالی علیه و آله و اصحاب و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً)

آثار چاپ شده مترجم

۱. عرفان عشق
۲. عرفان رحمن بابا
۳. عرفان اقبال
٤. تاریخچه سواد در افغانستان
٥. تذکره مجاذیب غزنه
٦. انفجار نفوس
۷. مجموعه اشعار (پشتو و دری)
۸. مجموعه کالم ها (یکی بگو دو بشنو)
۹. فرهنگ عرفانی
۱۰. دیار سنائی

ترجمه ها:

۱۱. توبه
۱۲. برگزیده های الفت